

# تاریخچه کتابشناسی ملی ایران

• پوری سلطانی

عضو هیئت علمی کتابخانه ملی ایران

## چکیده

این مقاله ابتدا از سال ۱۳۳۳ که اولین کتابشناسی ملی به نام کتاب‌های ایران، توسط ایرج افشار منتشر شد شروع می‌شود، سپس به انتشار کتابشناسی ملی ایران تا آخر سال ۱۳۶۱ که توسط کتابخانه ملی به بازار عرضه شد، می‌پردازد. سپس مقایسه‌ای بین دو کتابشناسی ملی را در قطع جدید و با ضوابط و معیارهای جدید از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۵ انجام می‌دهد، مقاله با توصیف انتشار کتابشناسی ملی به صورت الکترونیکی خاتمه می‌یابد.

**کلیدواژه‌ها:** کتاب‌های ایران، کتابشناسی ملی چاپی، کتابشناسی ملی الکترونیکی



## تعریف کتابشناسی ملی

منابع چندرسانه‌ای، انتشارات دولتی، و اطلاعات الکترونیکی را نیز شامل شود. بیشتر اوقات کتابشناسی ملی به منابع و مواد منتشرشده در کشور اکتفا می‌کند، ولی گاه نیز منابعی را دربرمی‌گیرد که در خارج از کشور ولی در ارتباط موضوعی با آن کشور تولید شده است یا تولیدکنندگان، فارغ از محل اقامتشان، ملیت کشور مربوط را دارند، و یا اثر تولیدشده به زبان ملی آن کشور نوشته شده است. کتابشناسی ملی می‌تواند گذشته‌نگر یا جاری باشد. کتابشناسی ملی جاری را در قدیم معمولاً ناشران منتشر می‌کردند و کتابشناسی ملی گذشته‌نگر معمولاً به‌عهده کتابخانه ملی یا سازمانی خاص بود که بر مبنای قانون واسپاری پس از دریافت آثار منتشره از طریق این قانون به توصیف، تحلیل و سازماندهی آنها پرداخته، و فهرست آنها را در فاصله‌های زمانی معین منتشر می‌کردند. در عمل این کتابشناسی‌ها همیشه با تأخیری چند منتشر می‌شود.

قبل از بیان تاریخ کتابشناسی ملی ایران، ابتدا باید تعریفی از «کتابشناسی ملی» ارائه دهیم. تاکنون در ادوار مختلف تعریف‌های گوناگونی برای کتابشناسی ملی ارائه شده است. اما اساساً مشکل می‌توان تعریفی جامع و مانع از کتابشناسی ملی ارائه کرد، زیرا همیشه احتمال اینکه یک یا چند جنبه از قلم بیفتد هست. ساده‌ترین تعریفی که برای آن ارائه شده است کتابشناسی ملی را عبارت از سیاهه‌ای از آثار منتشرشده در یک کشور خاص معرفی می‌کند. اما در عمل این تعریف کلی شکل‌های مختلفی به خود گرفته است. کتابشناسی ملی با این تعریف معمولاً کتاب و جزوه و نظایر آن را دربرمی‌گیرد، ولی کمال مطلوب آن است که کل آثار منتشره یک ملت را، به استثنای آنچه مربوط به آرشیو ملی است، دربرگیرد. از جمله پیایندها، موسیقی نوشتاری، نقشه،



**کتابشناسی ملی جاری را در قدیم معمولاً ناشران منتشر می‌کردند و کتابشناسی ملی گذشته‌نگر معمولاً به‌عهده کتابخانه ملی یا سازمانی خاص بود که بر مبنای قانون و اسپاری پس از دریافت آثار منتشره از طریق این قانون به توصیف، تحلیل و سازماندهی آنها پرداخته، و فهرست آنها را در فاصله‌های زمانی معین منتشر می‌کردند**

کتاب‌های ایران سالی یکبار منتشر می‌شد. از دفتر دوم بعد دو نمایه بسیار ضروری به کتاب افزوده شد. لزوم و مورد استفاده آن در مقدمه شرح داده شده است. این دو فهرست عبارت بودند از «فهرست نام کتاب‌ها» و «فهرست نام» (که منظور نام اشخاص است) البته فهرست سومی هم وجود دارد که «فهرست اسامی ناشران» بود. آقای افشار در مقدمه یادآور شده‌اند که کتابشناسی طبق موازین بین‌المللی بر مبنای موضوع تدوین شده و ذیل هر موضوع کتاب‌ها بر اساس نام نویسنده الفبایی شده‌اند و آقای محسن صبا که خود نویسنده و کتابشناس بود و جزو اولین تدوین‌کنندگان متون کتابداری در زبان فارسی به‌شمار می‌رود (صبا، ۱۳۳۲)، در مقدمه دفتر دوم خطاب به آنها که تدوین کتابشناسی را بر مبنای عنوان ترجیح می‌دهند می‌نویسد: «... باید توجه داشت که سبک مورد استعمال در این کتابشناسی، رسم عمومی و بین‌المللی است و امروزه اغلب فهرست‌ها به‌همین شیوه تدوین و تألیف می‌شود. زیرا اغلب محققان مایل هستند نام کتاب‌هایی را که در یک فن یا رشته خاص منتشر می‌شود بدانند...». احتمالاً ایرج افشار و محسن صبا از مباحث کنفرانس یونسکو در سال ۱۹۵۱ اطلاع داشته‌اند. بعدها هم یونسکو و ایفلا همواره بر این مطلب که کتابشناسی‌های ملی باید برحسب موضوع تدوین شوند تأکید داشته‌اند.

به‌نظر می‌رسد کتاب‌های ایران با اقبال مردم روبه‌رو شده بود، زیرا دفتر اول که در هزار نسخه چاپ شده بود به زودی به چاپ دوم رسید. با این‌همه آقای افشار در مقدمه دفتر چهارم می‌گوید: «... هنوز خود ما (چه ناشران ما، چه کتابخوانان ما) به فایده عظیم این کار وقوف نیافته‌ایم. نمی‌دانیم که در دنیای امروز، کتابشناسی برای کتابخوان و کتابشناس و کتابدار و کتاب‌نویس و کتابفروش و کتابدوست و کتابخانه لازم‌ترین وسیله کارست. فرنگی‌ها به این جزوات کوچک توجه کافی کردند...». تلخی و درد نهفته در این اشارات از فحوی کلام پیداست. آنچه هنوز هم بدان گرفتاریم... آقای افشار در بسیاری از مقدمه‌های این دفاتر یادآوری می‌کند که کار تدوین کتابشناسی ملی از وظایف کتابخانه ملی است.

به همین دلیل آنها را جزو کتابشناسی‌های گذشته‌نگر به حساب می‌آورند، اما امروز به کتابشناسی‌هایی گذشته‌نگر می‌گویند که به تدوین آثار سال‌ها پیش یا قرون گذشته بپردازد، مثل پروژه کتابشناسی عنوان‌های کوتاه قرن ۱۸ انگلستان<sup>۱</sup>.

اینکه چه سازمانی باید مسئولیت انتشار کتابشناسی ملی را برعهده گیرد همیشه مورد بحث بوده است، تا اینکه سرانجام «یونسکو» در کنفرانس «بهبودی خدمات کتابشناسی در سال ۱۹۵۱»<sup>۲</sup>، انتشار فهرست منظم کتاب و سایر منابع اطلاعاتی را از وظایف یک سازمان ملی اعلام کرد که معمولاً و نه همیشه بخشی از کتابخانه ملی را تشکیل می‌دهد. یونسکو همچنین معیارها و ضوابط معینی را برای انتشار کتابشناسی ملی ارائه داد.<sup>۳</sup>

با این تعریف و راهکار کتابخانه‌های، ملی بسیاری از کشورها که هنوز اقدام به انتشار کتابشناسی ملی نکرده بودند، به توصیه یونسکو قدم‌های مثبتی را در این زمینه برداشتند. اما علی‌رغم تاریخ دیرینه کتابشناسی نویسی در ایران و جهان اسلام که قدیمی‌ترین آن فهرست ابن‌ندیم است که در سال ۳۷۷ قمری برابر با ۹۹۸ میلادی منتشر شد، کتابخانه ملی ایران با گذشت ۱۲ سال پس از کنفرانس یونسکو، برای اولین بار اقدام به تهیه کتابشناسی ملی کرد. هرچند که قبل از آن ایرج افشار که خود قریب ده سال رئیس کتابخانه دانشکده حقوق بود به فکر جبران این نقص افتاد و در سال ۱۳۳۳ یعنی سه سال پس از توصیه یونسکو به تدوین یک کتابشناسی سالانه، به نام کتابشناسی ایران پرداخت که از نظر محتوایی همان کتابشناسی ملی بود. افشار از مجلد سوم به بعد یعنی از سال ۱۳۳۵ نام آن را به کتاب‌های ایران تغییر داد. این کتابشناسی به مدت دوازده سال مرتباً انتشار یافت. همزمان با انتشار نهمین مجلد کتاب‌های ایران در سال ۱۳۴۲، کتابخانه ملی به همت ابراهیم صفا، مدیر وقت، تصمیم به انتشار کتابشناسی ملی گرفت. ایرج افشار در مقدمه دفتر دهم کتاب‌های ایران، که در سال ۱۳۴۴ منتشر شد، می‌نویسد: «... سال گذشته از طرف کتابخانه ملی دفتری در همین زمینه بنام انتشارات ایران، انتشار یافت و کاری که قاعدتاً و منطقی در عهده آن دستگاه است آغاز شد» (ص ۷)



**اینکه چه سازمانی باید مسئولیت انتشار کتابشناسی ملی را برعهده گیرد همیشه مورد بحث بوده است، تا اینکه سرانجام «یونسکو» در کنفرانس «بهبودی خدمات کتابشناختی در سال ۱۹۵۱» انتشار فهرست منظم کتاب و سایر منابع اطلاعاتی را از وظایف یک سازمان ملی اعلام کرد**

کتاب  
اطلاعات  
آرشیوات  
دانشگاهی

سرانجام در سال ۱۳۴۳ کتابخانه ملی دفتری در ۱۹۷ صفحه به نام کتابشناسی ملی انتشارات ایران منتشر می‌کند که حاوی کتاب‌های سال ۱۳۴۲ است و ما از این پس از آن به نام «کتابشناسی ملی» یاد خواهیم کرد. گرچه آقای افشار در مقدمه دفتر دهم کتاب‌های ایران به این مطلب اشاره می‌کند ولی به انتشار کتاب‌های ایران تا دو سال دیگر هم ادامه می‌دهد. در شماره دوازدهم که کتاب‌های سال ۱۳۴۴ را دربرمی‌گیرد آقای افشار در مقدمه اشاره می‌کند که «... کار ما کامل‌تر از آن صورتی است که کتابخانه ملی تهیه و نشر می‌کند و این امر برای هر دو ما [مقصود حسین بنی‌آدم و خود ایشان است] مایه سرافرازی است». این فهرست ۱۴۳۵ عنوان را دربرمی‌گیرد، در حالیکه کتابشناسی ملی همین سال ۱۱۰۴ عنوان را فهرست کرده است. لذا از نظر کمی حرف آقای افشار درست است. اما مزیت کتابشناسی ملی بر کتاب‌های ایران در شمول فهرست روزنامه‌ها و مجلات است که به تعریف یونسکو نزدیک‌تر است. در این فهرست تعداد ۱۳۹ مجله نام برده شده است که در آن علاوه بر نام مجله، نام صاحب امتیاز، نام سردبیر، محل انتشار، سال و شماره و موضوع محتوایی مجله، احتمالاً به ترتیبی که خود مجله یاد کرده است، نیز آورده شده است. همچنین نام ۸۲ عنوان روزنامه شامل فاصله انتشار، صاحب امتیاز، سردبیر، محل انتشار، سال انتشار و موضوع روزنامه آورده شده است. از نظر فهرس و تقسیم‌بندی موضوعی هر دو مشابه‌اند. در مورد تشخیص موضوع کتاب گاه تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد. مثلاً رساله فدون در باره روان از افلاطون در کتابشناسی ملی در «روانشناسی» و در کتاب‌های ایران در «فلسفه» قرار گرفته است. یا یکسو نگریستن... در کتابشناسی ملی در متون نثر فارسی قرار گرفته و در کتاب‌های ایران در تصوف. در انتخاب سرشناسه نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. مثلاً کتاب‌های ایران سرشناسه یکسونگریستن را به اعتبار انتخاب‌کننده قطعات فریدون مشیری قلم داد کرده! در حالی که در کتابشناسی ملی ذیل محمد بن منور آمده که راوی و گردآورنده اسرار التوحید است. در صورتی که در هر دو صورت بهتر بود شیخ ابوسعید ابی‌الخیر سرشناسه قرار می‌گرفت و به سایر افراد، منجمله جواد نوربخش که مقدمه بیست صفحه‌ای اش درباره «شناخت تصوف و عرفان» قابل ذکر است، در متن توصیفی اشاره می‌شد.

آقای حسین بنی‌آدم در مقدمه کتاب‌های ایران، سال ۱۳۴۴ اشاره می‌کند که کتاب‌هایی که چند بار طبع شده فقط

یکبار در شمار آمده، ولی در بسیاری از موارد این قرار رعایت نشده است. نگاه کنید به صفحه ۲۳۲ ذیل سمسار، مهدی در شماره‌های (۱۳۲۱ و ۱۳۲۲) و یا صفحه ۲۴۵ ذیل ستر، هلن فوره در شماره‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ که به نظر می‌رسد هیچ فرقی با هم ندارند، با وجود این صفحه‌شمار یکی ۱۷۴ و دیگری ۱۸۳ است! در کتابشناسی ملی همان سال هم چاپ‌های مختلف یک اثر آمده ولی در مقدمه در این مورد صحتی نشده و ظاهراً حضور هر چند چاپ را مجاز می‌دانسته است. ابراهیم صفا در مقدمه کوتاهی که بر کتابشناسی ملی سال ۱۳۴۴ نوشته تصریح کرده است که حدود ۸۰ اثر از کتاب‌های مذکور در این مجلد مربوط به سال ۱۳۴۳ است. همین‌گونه در کتاب‌های ایران ۱۳۴۴ نیز به تعدادی کتاب مربوط به سال ۱۳۴۳ برمی‌خوریم ولی تعداد آنها در مقدمه تصریح نشده است. از طرفی حسین بنی‌آدم یادآوری می‌کند که حدود ۲۲۱ عنوان کتاب دیگر مربوط به سال ۱۳۴۴ در برگه‌دان مانده است که در این فهرست نیامده! و اظهار امیدواری می‌کند که در شماره بعد (۱۳۴۵) ملحوظ خواهد شد. البته از این پس دیگر شماره‌ای منتشر نشد تا آنها در آن ملحوظ شود. اساساً گرچه هر دو منبع کتابشناسی سال ۱۳۴۴ است و هر دو با یک هدف و برحسب یک نظام رده‌بندی و کتابنامه‌نویسی منتشر شده است ولی تفاوت‌های بسیاری در ضبط، شیوه عملکرد و بخصوص تعداد کتاب‌ها و همپوشانی آنها به چشم می‌خورد. مثلاً در بخش فلسفه فقط ۸ اثر در هر دو مشترک است. در کتاب‌های ایران ۱۸ اثر دیگر در فلسفه هست که در کتابشناسی ملی نیامده و در این یکی ۱۰ اثر هست که در کتاب‌های ایران نیامده. به نظر رسید که مقایسه این دو کتابشناسی که هر دو مدعی هستند که انتشارات ایران را در یکسال معین دربردارند، می‌تواند جالب باشد. به عنوان نمونه‌گیری، اطلاعات مندرج در دو حرف «آ» و «الف» را در نمایه‌های «نام کتاب» هر دوی آنها، با هم مقایسه کردم

تعداد عنوانها در دو حرف «آ» و «الف»	همپوشانی
کتاب‌های ایران ۲۰۶ عنوان	۸۲ عنوان
کتابشناسی ملی ایران ۱۳۸ عنوان	

کتاب‌های ایران تعداد ۶۸ عنوان از کتابشناسی ملی ایران بیشتر دارد، یعنی ۳۳ درصد کل عنوان‌ها لااقل در دو حرف «آ» و «الف»، ۸۲ عنوان از کتاب‌ها در هر دو مشترک هستند. در کتابشناسی ملی ایران اطلاعات کتابشناختی ۵۶



### نخستین

#### شماره کتابشناسی

#### ملی ایران - مربوط به

#### کتابهای منتشره در ماه

#### فروردین ۱۳۴۹ - پلی

#### کیی شد و در نسخ

#### معدودی توزیع گردید.

#### استقبالی که از آن شد

#### ما را بر آن داشت تا

#### دومین شماره را به

#### تعداد بیشتری به چاپ

#### برسانیم

روزنامه‌ها و مجله‌های فهرست شده در این مجلد نیز همه در سال ۱۳۴۲ در حال انتشار بوده‌اند ولو اینکه تاریخ تأسیس برخی از آنها ممکن است به سال‌های قبل از آن بازگردد. کتابشناسی ملی تا آخر سال ۱۳۴۶ یعنی به مدت ۵ سال در قطع وزیری به‌طور سالانه منتشر می‌شده. ناگهان وقفه‌ای ایجاد می‌شود و در سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ کتابشناسی ملی به کلی فراموش می‌شود و هرگز منتشر نمی‌شود و این بزرگترین نقص کتابشناسی کشور ماست که جبران آن تقریباً غیرممکن می‌نماید. پس از آن هم در واقع کتابشناسی ملی هر سال با

تأخیر بیشتری منتشر می‌شود. از جمله اینکه آخرین شماره سالانه که مربوط به انتشارات ۱۳۴۶ است در سال ۱۳۴۸ منتشر شد. در این فاصله سه بار رئیس کتابخانه ملی عوض می‌شود به همین دلیل محمد زهری در مقدمه مفصلی که حاوی وضع نابسامان کتاب، نشر، و خواندن در کشور است، در عین حال از سه رئیس تشکر می‌کند: جمشید بهروش، یحیی ذکا و ناصر مظاهری تهرانی. در سال ۱۳۴۹ کتابشناسی ملی، باز هم به همت محمد زهری ولی این بار به صورت ماهانه منتشر می‌شود. در مقدمه شماره دوم که مربوط به اردیبهشت ماه است می‌خوانیم: «نخستین شماره کتابشناسی ملی ایران - مربوط به کتاب‌های منتشره در ماه فروردین ۱۳۴۹ - پلی کیی شد و در نسخ معدودی توزیع گردید. استقبالی که از آن شد ما را بر آن داشت تا دومین شماره را به تعداد بیشتری به چاپ برسانیم...» البته منظور از «نخستین شماره» نخستین شماره از مجموعه ماهانه‌هاست که پس از یک فترت دوساله منتشر شد. و الا قبل از آن همانطور که در بالا اشاره شد ۵ شماره سالانه منتشر شده بود.

متأسفانه این شماره پلی کیی شده را نتوانستیم بیدانیم که شاید دلیل عدم انتشار کتابشناسی سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ در آن آمده باشد. در هر صورت انتشار ماهانه کتابشناسی کاری بسیار تحسین‌برانگیز بود و کاش ادامه پیدا می‌کرد. چند مطلب در مورد کتابشناسی ملی - در قالب سالانه و ماهانه - قابل توجه است:

۱. کتابشناسی ملی سالانه گرچه همه مدخل‌ها را شماره‌گذاری کرده است ولی ارجاع فهرست‌ها به شماره صفحه است نه شماره ردیف! خوشبختانه این ضعف در کتابشناسی ملی ماهانه جبران شده و ارجاع‌ها به شماره ردیف داده شده است.

۲. فهرست مندرجات در کتابشناسی ملی سالانه از ابتدا تا سال پنجم صحیح و منظم و به مفهوم واقعی خود آمده است.

عنوان کتاب درج شده، که در کتاب‌های ایران نیامده و متقابلاً در کتاب‌های ایران اطلاعات ۱۲۴ عنوان آمده که جای آنها در کتابشناسی ملی ایران خالی است. چنین اطلاعاتی بیانگر آن است که هر دو کتابشناسی ناقص‌اند و این شک و شبهه را به وجود می‌آورد که مجلدات قبلی آنها نیز از چنین نقصی برخوردارند و ما را با این سؤال مهم مواجه می‌کند که آیا می‌توان اطمینان داشت که حتی کتابخانه ملی ایران قادر باشد یک کتابشناسی ملی کامل و فراگیر از انتشارات ایران را منتشر کند؟

به هرحال پرونده کتاب‌های ایران در سال ۱۳۴۴ پس از ۱۲ سال بسته می‌شود، ولی کتابشناسی ملی که تازه در این سال سه ساله شده است به نظر می‌رسد که راه خود را ادامه خواهد داد. محمد زهری کار فهرست‌نویسی و تدوین این شماره کتابشناسی ملی ایران را با همکاری مرتضی سادات صوتی به‌عهده داشته است و در همان اولین شماره که با جلد سفید شمیزی در ۱۹۷ صفحه منتشر می‌شود در صفحه‌های با عنوان «برای آگاهی» که با حروف سیاه درشت چاپ شده است توضیح می‌دهد که «این فهرست اجمالاً براساس تقسیمات اعشاری دیوبی است». مقدمه کتاب به امضای ابراهیم صفا به تاریخ شهریور ۱۳۴۳ و مقدم بر صفحه «برای آگاهی» است. در این مقدمه ابراهیم صفا هم اشاره دارد به پیش‌کسوت بودن ایرج افشار در امر گردآوری «مجموعه مفیدی به نام (کتاب‌های ایران)» ولی چون تنظیم چنین فهرستی را از وظایف کتابخانه ملی می‌داند به نشر آن مبادرت ورزیده است. همانگونه که ایرج افشار کراراً در مقدمه‌ها از عدم رعایت حقوق واسپاری کتاب به کتابخانه ملی شکایت دارد، ابراهیم صفا نیز در همه مقدمه‌ها همین امر را متذکر می‌شود. ایرج افشار در سال ۱۳۴۱ به مدت ۷ ماه به ریاست کتابخانه ملی برگزیده می‌شود و در همین مدت کوتاه سعی می‌کند انتشار کتابشناسی ملی را در کتابخانه بنیان نهد و جمال میرصادقی را مسئول آن می‌کند. میرصادقی می‌پذیرد و روزها به کتابفروشی‌ها سر می‌کشد و نام کتاب‌های تازه را بر روی برگه‌های مخصوصی که برای این منظور تدارک دیده بودند یادداشت می‌کند. اما متأسفانه در کوتاه مدت به خدمت ایشان خاتمه داده می‌شود. ظاهراً بعداً ابراهیم صفا محمد زهری را مأمور این کار می‌کند که او نیز با مراجعه به کتابفروشی‌ها و جبران کسری‌ها تا آنجا که میسر بوده کتابشناسی ملی ۱۳۴۳ را تدوین می‌کند. بدون استثنا، تمام کتاب‌های مندرج در این شماره دارای تاریخ نشر ۱۳۴۲ است.

## فهرست مندرجات در کتابشناسی ملی سالانه از ابتدا تا سال پنجم صحیح و منظم و به مفهوم واقعی خود آمده است

ولی معلوم نیست چرا در شماره‌های ماهانه ناگهان مفهوم خود را از دست داده و شبیه نمایه آخر کتاب برحسب الفبا تنظیم شده است. «فهرست مندرجات» به خودی خود گویا و روشن است، که باید بر حسب «مندرجات» تنظیم شود نه برحسب الفبا. نظام الفبایی مخصوص نمایه‌ها است که خوشبختانه همه کتابشناسی‌های ملی ماهانه خود دارای نمایه‌های نام پدیدآورندگان کتاب‌ها، نام مدیران و سردبیران [پاییندها]، عنوان کتاب‌ها و نام ناشران است.

۳. هیچکدام از شماره‌های کتابشناسی ملی دارای نمایه موضوعی نیستند. درحالی که همتای آن، یعنی کتاب‌های ایران در آخرین شماره که مربوط به سال ۱۳۴۴ است، به تنظیم «فهرست الفبایی موضوعی» اقدام کرد که کمک شایانی بود برای بازیابی آثار مندرج در آن. گرچه هنوز با کمال مطلوب بسیار فاصله داشت.

۴. چاپ و حروفچینی و صفحه‌آرایی کتابشناسی ملی شکل‌تر از کتاب‌های ایران است و به علت اینکه توانسته است از دهسال تجربه کتاب‌های ایران استفاده کند از همان شماره اول رعایت اصول فهرست‌نویسی را کرده است و در این زمینه از اشتباه‌های کمتری برخوردار است.

۵. قطع کتابشناسی ملی به صورت ماهانه -در ۱۳۴۹- کمی از عرض بزرگتر می‌شود و طرح پشت جلد آن نیز که قبلاً یکدست آبی بود به آبی و سفید تغییر می‌یابد (یک باریکه ۴/۵ سانتیمتری نزدیک عطف آبی و بقیه جلد سفید است). از اطلاعات کتابشناختی مجله‌ها و روزنامه‌ها نیز اثری نیست. احتمالاً به خاطر انتشار راهنمای مجله‌های ایران و نیز راهنمای روزنامه‌های ایران که به‌طور جداگانه توسط مرکز خدمات کتابداری مرتباً از سال ۱۳۴۷ به بعد منتشر شد، نیاز به فهرست دوباره آنها احساس نمی‌شد.

۶. از ویژگی‌های دیگر کتابشناسی ملی ماهانه اضافه کردن شمارگان (تیراژ) کتاب‌هاست که با علامت «ن» به معنی تعداد نسخه نشان داده شده است و این امر تا آخر سال ۱۳۵۶ ادامه پیدامی‌کند. از سال ۱۳۵۷ ببعده متأسفانه تیراژ که در بسیاری از موارد تحقیقی ممکن است به‌کارآید کلاً حذف می‌شود و دیگر هرگز تا امروز حضور پیدا نمی‌کند و چه حیف!

۷. انتشار ماهانه کتابشناسی ملی بیش از یکسال دوام نمی‌آورد و از سال ۱۳۵۰ کتابشناسی ملی با همان طرح پشت جلد به صورت فصلنامه منتشر می‌شود. از سال ۱۳۵۱ طرح پشت جلد برمبنای هر فصل تغییر می‌کند. در این دوره با

کمال تعجب مشاهده می‌شود که در نمایه‌ها شماره‌ها مجدداً به صفحه کتاب ارجاع داده می‌شود و نه به شماره کتاب و این در حالی است که هنوز ناصر مظاهری کتابدار، در رأس کتابخانه ملی است و گردآورنده و تدوین‌کننده هم علی محمد فاطمی است که تدوین ماهانه‌ها را نیز به‌عهده داشت. توضیح آنکه تدوین کتابشناسی‌های ماهانه در زمان ناصر مظاهری که کتابدار متخصص (از لندن) بود اتفاق افتاد و در همین شماره‌هاست که برخلاف گذشته، در نمایه‌ها، شماره‌ها به قول خودشان «به شماره کتاب‌ها حواله داده شده است نه به صفحه کتاب». تدوین‌کننده کتابشناسی ملی در ماه‌های بهار ۱۳۴۹ محمد زهری است و نه شماره بعدی را علی محمد فاطمی عهده‌دار می‌شود.

۸. از سال ۱۳۵۲ که خسرو کریمی به جای محمد زهری تدوین و گردآوری کتابشناسی را به‌عهده می‌گیرد، شماره ثبت کتابها را به فهرست توصیفی اضافه می‌کند که تا آخر سال ۱۳۵۷ ادامه می‌یابد. البته در همه شماره‌ها به تعداد زیادی کتاب بدون ثبت برمی‌خوریم. احتمالاً اینها کتاب‌هایی هستند که یا به کتابخانه ملی نرسیده‌اند و اطلاعات آنها از جای دیگری کسب شده است؛ و یا چون در آن زمان گرفتن شماره ثبت برای ناشران خصوصی اجباری بود و ناشران دولتی از این قانون مستثنا بودند، انتشارات دولتی فاقد شماره ثبت بود، و سازمان‌ها و مؤسسات دولتی هم اجبار و الزامی برای انتشارات خود به کتابخانه ملی نداشتند. در نتیجه در آن زمان جای اطلاعات کتابشناختی بسیاری از انتشارات دولتی در کتابشناسی ملی خالی ماند و امروزه جای کتاب‌ها در مجموعه کتابخانه ملی خالی است؛ صد افسوس! ناگفته نماند که در اکثر قریب به اتفاق مقدمه‌های کتاب‌های ایران و نیز کتابشناسی ملی ایران نیز به این مقوله اشاره شده است. البته در روزگاری شماره ثبت می‌توانست محلی از اعراب باشد زیرا کتاب‌ها را در قفسه‌های کتابخانه بر اساس آن می‌چیدند اما چیدمان کتاب‌ها در کتابخانه ملی بعدها دستخوش آنچنان تحولاتی شد که دیگر شماره ثبت معنی و مفهوم خود را از دست داد.

۹. از سال ۱۳۵۲ توضیح مربوط به قطع کتاب از نظام سنتی رقی، وزیری، جیبی و غیره به سانتی‌متر با علامت «س.م.» تبدیل می‌شود. در این مورد نیز به کتاب‌های بسیار برمی‌خوریم که قطع در فهرست توصیفی آنها ذکر نشده. اینها هم احتمالاً در کتابخانه ملی موجود نبوده‌اند که بتوان اندازه‌گیری کرد. اضافه کردن قطع از سال ۱۳۵۵ به بعد کلاً حذف می‌شود.

لازم به یادآوری است که مرکز خدمات کتابداری هرگز قطع را در فهرست توصیفی ذکر نکرد. اما کتابخانه کنگره از ابتدا تاکنون قطع کتاب را فقط از نظر اندازه طولی همواره ذکر کرده است به این شکل (30cm).

۱۰. از سال ۱۳۵۲ کلیه نمایه‌های آخر کتاب از کتابشناسی‌ها حذف می‌شود. در شماره بهار ۱۳۵۲ هیچ‌گونه توضیحی در این مورد داده نشده. اما در شماره تابستان همان سال خسرو کریمی در مقدمه کوتاهی می‌گوید: «فهرست مندرجات، نام کسان، کتب، ناشران و موضوعی از امسال تا پایان سال یکجا به چاپ خواهد رسید.» کاری عبث که جز دردسر برای مراجعه‌کننده سود دیگری ندارد. از سال ۱۳۵۳ مجدداً فهرست مندرجات و نمایه‌های آخر کتاب در محل‌های اصلی خود قرار می‌گیرند و ارجاعات نیز خوشبختانه به شماره ردیف است نه شماره صفحه.

۱۱. از شماره سه ماهه تابستان ۱۳۵۰ مجدداً نام محمد زهری روی صفحه عنوان و جلد کتاب ظاهر می‌شود و تا آخر زمستان ۱۳۵۱ ادامه می‌یابد، گاه خود به تنهایی تدوین‌گر و گردآوری‌کننده است و گاه همکاری مثل بهرام عیلامی و مجتبی فیروزی، زیر نظر او این مهم را انجام داده‌اند.

از بهار سال ۱۳۵۲ تا آخر سال ۱۳۵۵ خسرو کریمی کتابشناسی را به صورت سه ماهه گردآوری و تدوین می‌کند و از زمستان ۱۳۵۲ به بعد پروین استخری نیز همکار اوست.

۱۲. از سال ۱۳۵۶ کتابشناسی ملی به شش ماه یکبار تبدیل می‌شود: مجلد اول، بهار و تابستان و مجلد دوم، پائیز و زمستان. گردآورنده و تدوین‌کننده بهرام عیلامی است. هنوز شماره ثبت و شمارگان کتاب‌ها برقرار است. ارجاع فهرست‌ها به شماره ردیف است و سه فهرست نام کسان، نام کتاب، نام ناشران همچنان باقی است. عبدالله لک مظاهری - رئیس وقت - در یک مقدمه چند سطر از اظهار امیدواری می‌کند که در سال ۱۳۵۷ فاصله انتشار را به سه ماه یکبار افزایش خواهد داد.

۱۳. سال ۱۳۵۷ سال سرپیچی‌ها و نابسامانی‌ها است و چاپ کتابشناسی ملی نیز دستخوش همین تحولات است. اگر قرار بود این مقاله در همان سال یا سال بعد از آن نوشته می‌شد، می‌گفتم که کتابشناسی ملی سال ۱۳۵۷ مطلقاً منتشر نشد. ولی امروز این را نمی‌گوئیم. سه ماهه اول ۱۳۵۷ در سال ۱۳۷۲ منتشر شد! سه ماهه تابستان ۱۳۵۱ در سال ۱۳۵۹ و شش ماهه آخر ۱۳۵۷ احتمالاً در سال ۱۳۶۲ منتشر شده است. می‌گویم «احتمالاً» زیرا تاریخ نشر در هیچ جای کتاب

نیامده و نگارنده از حافظه کمک گرفته است.

در سال ۱۳۶۲، مرکز خدمات کتابداری که دارای بیش از ۱۶ عضو هیئت علمی متخصص کتابداری بود، در کتابخانه ملی ادغام شد که نگارنده نیز از کارمندان منتقل شده بود.

دغدغه اصلی ما در کتابخانه ملی انتشار صحیح و منظم کتابشناسی ملی بود. لذا تصمیم گرفته شد به هر ترتیب شده اولاً کتابشناسی‌ها را به روز برسانیم و دیگر آنکه کتابشناسی جاری طبق ضوابط بین‌المللی و راهنمای یونسکو منتشر شود.

یونسکو بر دو چیز تأکید دارد، یکی اینکه فاصله انتشار از فصلی نباید بیشتر باشد و دیگر اینکه فهرست رده‌ای مرجع بر سایر روش‌های تنظیم کتابشناسی است. به منظور آگاه کردن ذهن فهرست‌نویسان کتابخانه ملی که سال‌ها با تنظیم موضوعی، آنها هم موضوع‌های بسیار کلی عادت کرده بودند، قرار شد راهنمای یونسکو برای سازمان‌های کتابشناسی ترجمه و در اختیار افراد دست‌اندرکار قرار گیرد. با بررسی

انجام شده معلوم شد که کارمندان سخت‌کوش کتابخانه ملی علیرغم همه مشکلات دوران انقلاب که نه به واسطه کتاب‌ها توجه می‌شد و نه به سایر کارهای حرفه‌ای، به ابتکار خود به گردآوری و گاه خرید کتاب‌های مشهور به «جلد سفید» و سایر کتاب‌های چاپی دست یازیدند و در سال‌های

بعد مجموعه کتابشناسی ملی بهار ۱۳۵۷ را روی برگه تنظیم کرده‌اند. ظاهراً از آنجا که برخی از این کتاب‌ها مورد تأیید جمهوری اسلامی نبود رئیس وقت کتابخانه ملی به این شماره کتابشناسی ملی اجازه نشر نمی‌داد. لذا فکر کردیم به جای اینکه دست به سانسور بزیم بهتر است فعلاً موقتاً کتابشناسی به همان گونه که هست روی برگه باقی بماند. به دنبال آن و با همان سبک و سیاق و با زحمات زیاد، کتابشناسی تابستان ۱۳۵۷ نیز تنظیم شد و ظاهراً آنچه ممکن بود چاپ آن را به تعویق بیندازد بدان راه نیافت و در شهریور ۱۳۵۹ منتشر شد.

شش ماهه دوم سال ۱۳۵۷ در یک مجلد منتشر شد. تاریخ نشر ندارد ولی آنطور که به خاطر دارم چاپ آن، در سال ۱۳۶۲ میسر شد. در مقدمه کوتاه آن که فاقد نام نویسنده است می‌خوانیم: «این مجلد از کتابشناسی ملی کتابخانه ملی که کتاب‌های انتشار یافته در بهار سال ۱۳۵۷ و یا کتاب‌های به کتابخانه رسیده آن ایام را دربردارد، می‌بایست در تابستان همان سال انتشار می‌یافت. اما نیک می‌دانیم که آن ایام، ایام خون و آتش و دست از کار کشیدن‌ها برای سرنگونی ظلم و استبداد بود و در نتیجه مجلدات کتابشناسی نیز متوقف ماند...» چنانکه ملاحظه می‌شود، در این دو جمله تناقض‌هایی

انتشار ماهانه  
کتابشناسی ملی  
بیش از یکسال دوام  
نمی‌آورد و از سال ۱۳۵۰  
کتابشناسی ملی با  
همان طرح پشت جلد به  
صورت فصلنامه منتشر  
می‌شود

کتاب  
اطلاعات ارتباطات و آموزش عالی

تأخیری نه چندان زیاد انجام می‌شد ولی چاپ آنها غالباً به خاطر بازیابی‌های مکرر و گرفتاری بودجه و از این قبیل با وقفه‌ای چند ساله اتفاق می‌افتاد. بهر حال در آن ایام هدف این بود که کتابشناسی‌های عقب‌افتاده هرچه سریعتر منتشر شود، زیرا با ادغام مرکز خدمات کتابداری در سال ۱۳۶۲ قرار بود کتابشناسی ملی ۱۳۶۲ با طرحی نو منطبق با دستورالعمل ایفلا و یونسکو و کلاً به شیوه‌ای دیگر منتشر شود. در عین حال هنوز کتابشناسی سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ نیز باقیمانده بود. گرچه همکاران مرکز خدمات کتابداری سخت درگیر فهرست‌نویسی کتاب‌های سال ۱۳۶۲ بودند ولی شایسته نبود روش بسیار مبتدی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ بازم ادامه یابد. این بود که قرار شد این دو سال هم نظم و سیاق سال‌های قبل از ۱۳۵۷ ادامه پیدا کند ولی تا آنجا که میسر است اطلاعات توصیفی دقیق‌تر و کامل‌تر، از جمله مستند کردن نام پدیدآور بر مبنای فهرست مستند مشاهیر و نویسندگان و کاربرد سایر مستندهای مرکز خدمات کتابداری اعمال شود. با اینهمه همانگونه که در مقدمه آمده است به علت شتابی که در کار بود گاه کتابی بیش از یکبار و در دو دوره مختلف ثبت شده و گاه نام یک فرد یا سازمان واحد در محل‌های مختلف به دو صورت آمده است. این نقص از استناد به منبع در دست فهرست و عدم استناد به مستندهای موجود ناشی شده است. از این زمان قیمت کتاب به فهرست توصیفی اضافه می‌شود ولی متأسفانه از تیراژ و اندازه کتاب خبری نیست. برای اولین بار برای کتابشناسی ملی شماره استاندارد بین‌المللی ۰۰۷۵-۰۵۲۲-۰۰۷۵ اخذ و روی جلد و صفحه عنوان چاپ می‌شود.

صفحه عنوان لاتین که از سال ۱۳۵۷ حذف شده بود، مجدداً در جای اصلی خود ظاهر می‌شود. علاوه بر این صفحه حقوق فارسی هم به زبان انگلیسی برگردانده می‌شود و در پشت صفحه عنوان لاتین چاپ می‌شود. تمام جزئیاتی که از نظر بین‌المللی باید روی صفحه عنوان و صفحه حقوق بیاید از این دوره (۱۳۶۰) به بعد بطور کامل رعایت شده است. طرح جلد و قطع به زمان قبل از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. یک باریکه آبی کمرنگ ۵ سانتی‌متری که عطف و بخشی از جلد را که سفید است می‌پوشاند. مژدک از لحاظ فاصله انتشار نمی‌تواند به قبل از انقلاب اسلامی که بیشتر فصلی بود برسد. سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ کتابشناسی ملی به صورت سالانه منتشر می‌شود. تاریخ چاپ هر دو این کتابشناسی‌ها ۱۳۶۳ است. نمایه‌ها عبارتند از: «فهرست نام کسان و

به چشم می‌خورد. اولاً کتابشناسی مورد نظر حاوی اطلاعات کتابشناختی کتاب‌های منتشر شده در بهار ۱۳۵۷ نیست بلکه اطلاعات کتابشناختی کتاب‌های شش ماهه دوم ۱۳۵۷ یعنی پائیز و زمستان را دربر می‌گیرد. دیگر اینکه کار پائیز و زمستان نمی‌توانست در تابستان ماقبل منتشر شود. به نظر می‌آید مقدمه تنظیم شده برای بهار ۵۷ عیناً اینجا منتقل شده است. بهر حال مقدمه با این جمله خاتمه می‌یابد: «... و بطور کلی از این مجلد حتی الامکان طاغوت‌زدایی بعمل آمد مگر کتابی از قلم افتاده باشد.» قبل از این مقدمه صفحه دیگری هست که در بالای آن دوبار عبارت «به نام خدا» ذکر شده و ذیل یکی از آنها نوشته شده است «توضیح» حالا توضیح را بخوانید: «شماره ۴۵ کتابشناسی ملی ایران شامل فهرست کتاب‌های منتشر شده ایران در بهار سال ۱۳۵۷ و کتاب‌های از قلم افتاده فهرست‌های قبلی است...» اما در پشت جلد همین مجلد صراحتاً شماره کتابشناسی ۴۷ ذکر شده و «شش ماهه دوم ۱۳۵۷» ذیل آن آمده است. بنابراین باز مشاهده می‌شود که توضیح مزبور نیز مربوط به بهار سال ۱۳۵۷ است که احتمالاً آماده بود ولی از چاپ آن جلوگیری شده است، و سهواً بدون دستکاری اینجا چاپ شده است. بررسی دقیق‌تر کتابشناسی‌های ملی بعد از انقلاب، چون آئینه‌ای گویا، فراز و نشیب‌ها و نابسامانی‌های آن دوران را بازمی‌گوید. سه جلد کتابشناسی سال ۱۳۵۷ همه با جلد شمیز سفید و با قطعی کوچک‌تر از معمول چاپ شده است. در شش ماهه دوم ۱۳۵۷ تعداد ۱۰۰۸ عنوان کتاب فهرست شده است. از این تعداد ۸۹۹ عنوان مربوط به بزرگسالان و بقیه کتاب‌های کودکان و نوجوانان است. کتابشناسی تابستان ۱۳۵۷ حاوی ۹۹۶ عنوان کتاب است که ۸۷۲ عنوان آن مربوط به بزرگسالان و بقیه کتاب‌های کودکان و نوجوانان است. سرانجام در سال ۱۳۷۲ یعنی حدود ۱۵ سال بعد، کتابشناسی بهار ۱۳۵۷ بدون سانسور منتشر شد.

کتابشناسی سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ نیز همانند بقیه کتابشناسی‌ها با تأخیری بسیار منتشر شد. از همه بدتر آنکه نظام موضوعی سابق احتمالاً به خاطر وقت‌گیر بودن آن، فراموش شد و کتاب‌ها، همانگونه که در مقدمه مختصر بدون امضا و بدون تاریخ آن آمده است، بر مبنای عنوان کتاب تنظیم شده است. جلد اول از حرف (آ - ژ) و جلد دوم از حرف (س - ی). تاریخ نشر آن در هیچ جای کتاب ذکر نشده ولی تا آنجا که در خاطر هست باید حدود ۱۳۶۲ یا ۱۳۶۳ باشد. توضیح آنکه تنظیم کتابشناسی‌ها احتمالاً با

مؤسسات، فهرست نام کتاب‌ها، و فهرست ناشران». کوشش شده است که نمایه‌ها با مستندات مرکز خدمات کتابداری مقابله و اصلاح شوند. کتابشناسی ملی سال ۱۳۶۰ حاوی ۱۳۸۵ عنوان است که ۱۲۴۶ عنوان آن مربوط به بزرگسالان و بقیه کتاب‌های کودکان است. کتابشناسی سال ۱۳۶۱ دارای ۳۰۵۱ عنوان کتاب است که تعداد ۲۷۳۳ عنوان آن مربوط به بزرگسالان و بقیه مربوط به کودکان است. از دیگر ویژگی‌های این دو سال ذکر کتاب‌های ارمنی است که با الفبای ارمنی درج شده است. این کتابشناسی دارای مقدمه نسبتاً مفصلی است و در آن در زمینه روش تنظیم گفته شده است: «این کتابشناسی براساس نظام رده‌بندی دیویی و با استفاده از ویرایش هیجدهم آن تنظیم شده و در بخش‌ها و زمینه‌های مربوط به دین اسلام، تاریخ ایران، جغرافیای ایران و زبان و ادبیات فارسی از گسترش‌های منتشرشده توسط مرکز خدمات کتابداری استفاده شده است.» در اینجا نیز همچون سلف خود به این مطلب که قانون واسپاری به تمام و کمال مراعات نمی‌شود و اینکه شهرستان‌ها و سازمان‌های دولتی به ندرت به آن عمل می‌کنند اشاره شده و ضمن تشکر از وزارت ارشاد برای ارسال کتاب به کتابخانه ملی، تصریح می‌کند که کتابخانه ملی باید خود با ناشر در تماس باشد و کتاب‌ها مستقیماً به کتابخانه برسد و نه به واسطه سازمانی دیگر. در جای دیگر گفته شده است: «... تنظیم و تدوین کتابشناسی سال ۱۳۶۱ و همچنین سال قبل از آن (۱۳۶۰) به صورت کار گروهی سنگین و فشرده‌ای توسط بخش‌های فهرست‌نویسی و کتابشناسی کتابخانه ملی ایران در کمتر از سه ماه تابستان ۱۳۶۲ به انجام رسید و شتابی که برای عقب‌ماندگی‌ها در تنظیم آن به کار رفت متأسفانه در پاره‌ای موارد منجر به کاستی‌هایی شده است...»

پس از ادغام مرکز خدمات کتابداری در کتابخانه ملی، به موازات انتشار مجلدات عقب‌مانده کتابشناسی ملی، لازم بود همزمان فکری هم برای تدوین و انتشار کتابشناسی ملی - از ۱۳۶۲ به بعد - می‌کردیم. به این مهم در مقدمه کتابشناسی سال ۱۳۶۱ بدینگونه اشاره شده است: «در اینجا لازم است اشاره شود که بهره‌گیری از استانداردهای جهانی تدوین کتابشناسی ملی و درانداختن طرحی نو برای کتابشناسی ملی ایران بر عهده کتابشناسی ملی ایران سال ۱۳۶۲ محول شده است و این کتابشناسی که مراحل نهایی تنظیم خود را می‌گذراند به زودی با تغییر شکل کامل ارائه خواهد شد.»

در جلسات اعضای هیئت علمی راه‌کارها و ضوابط، مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نتایج آن ضبط شد که حاصل آن طی ۱۴ مورد در مقدمه نیمه اول سال ۱۳۶۲ چاپ شده است. بر مبنای این تصمیمات قرار شد کتابشناسی فعلاً به‌طور شش ماهه منتشر شود. این البته مغایر دستورالعمل یونسکو بود زیرا که بر مبنای آن حداقل مجاز برای انتشار کتابشناسی ملی «فصلی» است. اما در آن دوره مشکلات زمان جنگ به مشکلات دوران انقلاب افزوده شده بود. نه امکانات مالی وجود داشت و نه امکانات استفاده از نیروی انسانی متخصص و کتابخانه ملی اساساً با از هم‌پاشیدگی و مشکلات ناگفتنی و نیز مشکلات ادغام دست به‌گریبان بود و کار در آن زمان هم نمی‌توانست منحصر به تنظیم کتابشناسی ملی باشد. بالینهمه مقرر شد بسیاری از کارهای تحقیقاتی در دست اقدام در مرکز خدمات کتابداری موقتاً متوقف شود و همه نیروی موجود صرف پردازش کتابشناسی‌های ملی گردد. لذا ضمن اینکه گروهی مأمور تنظیم کتابشناسی‌های عقب‌افتاده بودند، تعدادی هم به سرپرستی زهره علوی و فرشته کاشفی هر دو از اعضای هیئت علمی مرکز خدمات کتابداری مسئولیت فهرست‌نویسی و تنظیم کتابشناسی ملی را طبق ضوابط تعیین‌شده به عهده گرفتند. در مقدمه کتابشناسی ملی ۱۳۶۲ که سرانجام در سال ۱۳۶۵ منتشر شد می‌خوانیم «تدوین این کتابشناسی در آذرماه ۱۳۶۲ با فهرست‌نویسی کتاب‌های رسیده به کتابخانه ملی آغاز گردید و پس از ۶ ماه مجموعه حاضر که محتوی ۱۱۸۰ عنوان کتاب است برای آزمایش طرح جدید کتابشناسی ملی ایران آماده و تنظیم آن آغاز گردید. اما این انگار آغاز راه بود زیرا مشکل اساسی که از دست متخصصان کتابداری خارج بود در مسأله چاپ خلاصه می‌شد. چاپ کتابشناسی کار ساده‌ای نبود. هر مدخل روی یک برگه قرارداشت به انضمام شماره‌های رده و عنوان‌های حامل. صفحه‌آرایی و تنظیم مدخل‌ها دقت و مهارت خاص می‌طلبید. هیچ ناشری حاضر نبود آن را قبول کند بخصوص که از پرداخت دستمزد آن نیز مطمئن نبود. چون وضعیت مالی کتابخانه بسیار ملال‌آور بود، ابتدا ما به دنبال چاپخانه‌ای می‌گشتیم که این کار را به‌طور رایگان و بعنوان یک همکاری فرهنگی قبول کند. لذا به هر کجا رجوع می‌کردیم به تفصیل درباره فواید کتابشناسی ملی و زحمتی که برای تنظیم آن کشیده شده است و استفاده‌ای که فرهیختگان و اهل کتاب از آن خواهند برد صحبت می‌کردیم. به چندین مؤسسه و چاپخانه رجوع کردیم و توفیقی حاصل نشد. نه تنها به رایگان

در مقدمه کتابشناسی ملی ۱۳۶۲ که سرانجام در سال ۱۳۶۵ منتشر شد می‌خوانیم «تدوین این کتابشناسی در آذرماه ۱۳۶۲ با فهرست‌نویسی کتاب‌های رسیده به کتابخانه ملی آغاز گردید و پس از ۶ ماه مجموعه حاضر که محتوی ۱۱۸۰ عنوان کتاب است برای آزمایش طرح جدید کتابشناسی ملی ایران آماده و تنظیم آن آغاز گردید»



در سال ۱۳۶۶ من در  
پیش کنفرانس ایفلا  
سخنرانی داشتم و وقتی  
اولین نمونه کتابشناسی  
را ارائه دادم و ویژگی‌های  
آن را برشمردم و متذکر  
شدم که این همه در دوران  
جنگ و زیر موشک باران  
تهران به وقوع پیوسته  
است تحسین همه را  
برانگیخت و کتابشناسی  
به عنوان یکی از  
کتابشناسی‌های نمونه  
قلمداد شد

که حتی با پرداخت هزینه هم رضایت نمی‌دادند. سرانجام دانشگاه علامه طباطبایی که از چاپخانه مجهزی نیز برخوردار بود چاپ این مهم را تقبل کرد. رئیس وقت دانشگاه تنها کسی بود که به سخنان ما بها داد و موافقت کرد که کتابشناسی ملی در چاپخانه آن دانشگاه به چاپ برسد. چاپخانه دانشگاه علامه طباطبایی در خیابان ییادآوران بود و ما مجبور بودیم برگه‌دان‌های کتابشناسی را زیر بغلمان بزنیم و به آنجا حمل کنیم. کتابخانه ملی فاقد وسیله نقلیه و نیروی انسانی برای حمل دستنویس‌ها به چاپخانه بود و به ناچار این کار را با هزینه شخصی انجام می‌دادیم. چاپ کتابشناسی که برای اولین بار دوستونه در قطع رحلی و با ویژگی‌های خاص خود و متنی دوزبانه می‌بایست صورت پذیرد، نیاز به گفتگوی رودرو با چاپخانه و کارگران مسئول آن داشت. تا راه و روش کار مشخص شود چندین بار نمونه داده می‌شد و ما نظر می‌دادیم، نه تنها در مورد متن و نمونه‌خوانی بلکه از نظر فاصله خطوط و مداخل و انواع فونت‌های لازم و غیره و غیره. در آن زمان تازه ماشین‌های حروفچینی لاینوترون به ایران آمده بود و ما خوشحال بودیم که کار را به جایی سپرده‌ایم که از آخرین تکنولوژی برخوردار است! نامه زیر دومین نامه‌ای بود که بین ما و دانشگاه علامه طباطبایی ردوبدل می‌شد. (نامه ضمیمه اسکن شود و در اینجا قرار گیرد)

چنانچه از تاریخ نامه پیدا است، گرچه نیمه اول کتابشناسی ملی اواخر سال ۱۳۶۲ آماده شده بود تا رسیدن به چاپخانه بیش از ۱۰ ماه به طول انجامید. کار حروفچینی، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی، چاپ و صحافی گرچه بسیار سنگین و اولین تجربه بود ولی بیش از انتظار به طول انجامید و همانگونه که گفته شد انتشار کتابشناسی در اواخر سال ۱۳۶۵ میسر شد. در سال ۱۳۶۶ من در پیش کنفرانس ایفلا سخنرانی داشتم و وقتی اولین نمونه کتابشناسی را ارائه دادم و ویژگی‌های آن را برشمردم و متذکر شدم که این همه در دوران جنگ و زیر موشک باران تهران به وقوع پیوسته است تحسین همه را برانگیخت و کتابشناسی به عنوان یکی از کتابشناسی‌های نمونه قلمداد شد.

با این همه در کشور خودمان همانگونه که آقای دکتر افشار متذکر شده بودند، قدر آن دانسته نشد. در نتیجه کتابخانه ملی هرگز از امکانات لازم برای انجام آن برخوردار نگردید. اگر چه کارمندان در جای تنگ و در میان انبوه کتاب‌ها و شرایط بسیار نامساعد به کار مشغول بودند، باز هم هنگام چاپ با هزار مشکل روبه‌رو می‌شدیم. تورق پرونده

کتابشناسی ملی و تعداد نامه‌هایی که به وزارت ارشاد و اینطرف و آنطرف نوشته‌ایم و برای چاپ کتابشناسی ملی التماس دعا داشته‌ایم واقعاً حیرت‌انگیز است، بگذریم از مصاحبه‌های شفاهی که در پرونده نیامد و نگارنده به یاد دارد... شرح همه ماجراها از حوصله این مقاله خارج است ولی نگاهی به مجلدات کتابشناسی ملی که همه با تأخیرهای غیرقابل بخشش منتشر شده است، می‌تواند گویای حال باشد. در زمان ریاست آقای سید حسن شهرستانی قرار شد سال ۱۳۶۶ را سال کتابشناسی ملی اعلام کنیم و همه کارمندان اعم از اعضای هیئت علمی و کارشناسان کتابخانه کلیه کارها را موقتاً تعطیل کنند و به تنظیم کتابشناسی‌های عقب‌افتاده همت گمارند. خوب به خاطر دارم که این امر اعتراض برخی از اعضای هیئت علمی را که مشغول انجام پروژه‌های تحقیقاتی مورد علاقه‌شان بودند برانگیخت. با اینهمه با توجه به اهمیت کتابشناسی ملی همه قبول کردیم که کار فهرستنویسی و تنظیم کتابشناسی‌های عقب‌افتاده در اولویت قرار بگیرد. لذا کار کتابشناسی هر سال از ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۶ به یک گروه سپرده شد. هریک از این گروه‌ها را یکی از اعضای هیئت علمی سرپرستی می‌کرد. گروه‌ها گاه از دو یا سه نفر تجاوز نمی‌کرد. قبلاً به بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای دولتی، من جمله صدا و سیما، سازمان برنامه و بودجه، مجلس و چند جای دیگر نامه نوشتیم و تقاضا کردیم افراد خاصی را که می‌دانستیم در امر فهرستنویسی تبحر دارند به مدت ۶ ماه به صورت مأمور در اختیار کتابخانه ملی قرار دهند. خوشبختانه موافقت بسیاری از آنها را کسب کردیم. آقای شهرستانی توانسته بودند مبلغ پانصد هزار تومان، نمی‌دانم از چه طریقی تهیه نمایند و ما توانستیم دستمزد افرادی را که از خارج به کتابخانه دعوت کرده بودیم و نیز اضافه کاری کارمندان کتابخانه را از این راه تأمین کنیم. خوشبختانه برنامه کم و بیش مطابق دلخواه پیش رفت و ما توانستیم کتابشناسی‌های عقب‌افتاده چهار ساله را در مدتی کمتر از یکسال به روز برسانیم. مقایسه کتابشناسی‌های آن دوره با کتابشناسی‌های الکترونیکی این زمان نشان از برتری بسیار دارد که ناگفتنی است. متأسفانه این روند بعدها پیگیری نشد و باز گرفتار عقب‌ماندگی‌های جدید شدیم. به هر صورت آخرین شماره چاپی که به این شکل و شمایل درآمد کتاب‌های شش ماهه دوم سال ۱۳۷۵ است. این شماره هم طبق معمول با تأخیری پنج ساله در سال ۱۳۸۰ منتشر شد! چه جای تأسف است که حتی در این میان نیز جای نیمه دوم سال ۱۳۷۲ خالی است! بگذریم ...

**واقعۀ دیگری که در واقع  
جایگزین کتابشناسی  
ملی چاپی شد انتشار  
کتابشناسی ملی به شکل  
الکترونیکی بود. در بهار  
سال ۱۳۷۵ برای اولین  
بار کتابشناسی ملی  
در قالب ۱۶ دیسکت در  
اختیار عموم قرار گرفت**

کتابشناسی الکترونیکی اما از سال ۱۳۷۶ به بعد به صورت یک لوح فشرده منتشر شد. بعداً این کتابشناسی در هر سال در سه نوبت منتشر می‌شد. هریک از لوح‌های فشرده کل مدارک قبلی به اضافهٔ افزوده‌های جدید را دربرداشت. لوح فشردهٔ کتابشناسی ملی از سال ۱۳۸۴ از طریق اینترنت به صورت دسترسی پیوسته<sup>۴</sup> قابل‌بازیابی شد. مشکلی که کتابخانه‌ها و مراجعان اظهار می‌داشتند این بود که رکوردها قابل‌بارگذاری<sup>۵</sup> نیستند و گزارش‌گیری از آن نیز با اختلالات بسیار، به خصوص در رده‌بندی‌ها و نیز در مورد رکوردهای دوزبانه، انجام می‌گیرد.

از طرفی از سال ۱۳۷۷ کتابخانهٔ ملی مطالعاتی را برای ایجاد شبکهٔ اطلاع‌رسانی سازگار با نظام جهانی اطلاعات آغاز کرده بود که سرانجام به انتشار مارک ایران شد. این دستنامه بعداً در اختیار متخصصان کامپیوتر قرار گرفت تا برنامهٔ جامع کتابخانهٔ ملی بر مبنای آن تدوین شود. در شهریور ۱۳۸۵ این برنامه به نام «برنامه جامع رسا» در کتابخانهٔ ملی افتتاح و به موقع اجرا گذاشته شد و مقرر شد از این پس همهٔ داده‌های کتابشناختی و مستندات کتابخانهٔ ملی در این برنامه وارد شود. این برنامه، که البته هنوز کاستی‌هایی دارد، اکنون از طریق سایت کتابخانهٔ ملی ایران بر روی اینترنت به صورت پیوسته در همهٔ جهان قابل دسترسی است.

پی‌نوشت‌ها:

1. Eighteen-Century Short Title Catalogue
2. UNESCO Conference on the Improvement of Bibliographic Services in 1951
3. UNESCO Guide Lines for National Bibliographic Agency
4. On line
5. Download

مآخذ

۱. افشار، ایرج (۱۳۴۴). «سر آغاز» در کتاب‌های ایران. دفتر دهم، با همکاری حسین بنی آدم. تهران: انجمن کتاب، (توضیح آنکه تاریخ نشر کتاب روی جلد و صفحه عنوان به اشتباه ۱۳۴۳ ضبط شده در حالی که تاریخ صحیح همان است که در صفحهٔ حقوق آمده یعنی ۱۳۴۴)
۲. صبا، محسن (۱۳۳۲). اصول فن کتابداری و تنظیم کتابخانه‌های عمومی و خصوصی. تهران: دانشگاه تهران.
۳. کمیتهٔ ملی مارک ایران (۱۳۸۱). مارک ایران. تهران: کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران.

اینکه کتابشناسی ملی در شکل جدید چقدر توانسته است به اهداف خود نزدیک شود جای بحث دارد. اولین مشکل آن تعویق در انتشار و روزآمد نبودن آن است، در حالی که اولین شرط هر کتابشناسی ملی روزآمد بودن آن است. نقص دیگر آن مربوط می‌شود به بازیابی اطلاعات مندرج در کتابشناسی‌ها. رسیدن به یک عنوان یا نویسندهٔ خاص از طریق شماره‌های طولانی دیوئی برای مراجعه‌کنندگان وقت‌گیر و پر دردسر است. همه به حق تقاضا داشتند ضمن نگهداشتن پیکرهٔ اصلی، یک شمارهٔ ردیف از اول تا انتها به هر رکورد اضافه شود و بازیابی‌های نمایه‌ای از طریق شمارهٔ ردیف انجام گیرد. ظاهراً حروفچینی دستی و شرایط کاری موجود نتوانست امکانات لازم را برای انجام این راهنمایی مفید به وجود بیاورد. علاوه بر این کتابشناسی‌ها خالی از غلط‌های چاپی و اشکالات فهرست‌نویسی هم نیست. مشکل دیگری که تهیه‌کنندگان خود در مقدمه به آن اشاره کرده‌اند نقص در شمول کتابشناسی است چرا که کتابشناسی‌ها فقط حاوی کتاب‌هایی است که به هر دلیل به طور ناقص و با کسری‌های بسیار از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به کتابخانهٔ ملی می‌رسید. با اینهمه کتابشناسی‌ها در قالب جدید به خاطر تحلیل موضوعی که نیاز کتابداران و پژوهندگان را از جهت فهرست‌نویسی نسبتاً دقیق و تنظیم موضوعی برطرف می‌کرد مورد استقبال بسیار قرار گرفت. اما کتابخانهٔ ملی نتوانست چاپ آن را ادامه دهد و این امر موجبات نارضایتی بسیاری را فراهم کرد که دامنهٔ بحث آن حتی به نشر در پایاندهای کشور نیز کشیده شد.

اما واقعۀ دیگری که در واقع جایگزین کتابشناسی ملی چاپی شد انتشار کتابشناسی ملی به شکل الکترونیکی بود. در بهار سال ۱۳۷۵ برای اولین بار کتابشناسی ملی در قالب ۱۶ دیسکت در اختیار عموم قرار گرفت. این کتابشناسی شامل کتاب (۵۲۱۱۴ عنوان)، پایان‌نامه لاتین (۱۰۱۲ عنوان) و جزوه (۴۰۴ عنوان) بود. بنابراین بدیهی است که این کتابشناسی الکترونیکی برخلاف کتابشناسی‌های چاپی فقط اطلاعات مربوط به سال ۱۳۷۵ را دربر نمی‌گرفت، بلکه شامل کل رکوردهایی بود که از سال ۱۳۶۲ به بعد در کتابخانهٔ ملی بنا بر استانداردهای بین‌المللی فهرست و وارد رایانه شده بود. کتابشناسی ملی چاپی سال ۱۳۷۵ نیز در همان سال در دو مجلد شش ماهه منتشر شده بود که آمار زیر را نشان می‌دهد: کتاب ۱۱۴۰۷ عنوان (شامل ۲۲۴ جزوه)، کتاب‌های گویا (ویژهٔ نابینایان) ۱۲۶ عنوان و کتاب‌های کودکان ۱۰۵۱ عنوان.